

## تحلیلی بر سیاست‌های توسعه روستایی در برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران

معصومه امانی<sup>۱</sup>، فرهاد عزیزپور<sup>۲</sup>، اصغر طهماسبی<sup>۳</sup>، حسن افراخته<sup>۴</sup>، حسن دارابی<sup>۴</sup>

- ۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
- ۲- دانشیار، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
- ۳- استادیار، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
- ۴- استادیار، گروه طراحی محیط زیست، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

### حکیده

تاریخ دریافت: ۰۱ مرداد ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۲۶ آذر ۱۳۹۸

در دهه‌های اخیر، نظام برنامه‌ریزی در سطح جهانی به علت پویایی ذاتی جوامع انسانی و ناکارآمدی نظریه‌ها در حل چالش‌ها، شاهد تغییر مفهوم اندیشه توسعه بوده است. بازاندیشی فکری توسعه، ارزیابی چارچوب مفهومی نظریه‌های برنامه‌ریزی در عرصه توسعه روستایی را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. بنابراین در این مقاله سعی شد سیاست‌های توسعه روستایی برنامه ششم (توسعه) مبتنی بر اندیشه فرانوگرایی مورد ارزیابی قرار گیرد. روش پژوهش، کیفی؛ مبتنی بر روش فراترکیب و تحلیل محتوای جهت‌دار است. روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و برای تفهیم، مبتنی بر مقوله‌ها از روش استدلال منطقی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد: عدم عقلانیت گرای، نفی عقیده جهان‌شمول بودن و نفی فراروایت‌ها سه اصل کلیدی (و بنیانی) و کثرت‌گرایی، حکمروایی، زمینه‌گرایی، بوم‌گرایی و محلی‌گرایی پنج اصل برنامه‌ریزی فرانوگرا هستند. بر این اساس، ارزیابی سیاست‌های توسعه روستایی در برنامه ششم بیانگر آن است که این سیاست‌ها از جنبه مفهومی در انطباق نسبی با اصول برنامه‌ریزی فرانوگرایی، لیکن در عمل در انطباق کامل با تفکر برنامه‌ریزی نوگرا قرار دارد. زیرا، نظام برنامه‌ریزی مبتنی بر عقلانیت ابزاری و نخبه‌گرایی نسخه‌ای از برنامه‌ریزی فرانوگرا را پایه‌ریزی کرده است که در عمل هویت خود را از دست داده است و بیشتر جنبه شعارگونه پیدا کرده است. به عبارتی، نظام برنامه‌ریزی کشور (در تدوین سیاست‌های توسعه روستایی) در حوزه مفهومی، مرزبندی پارادایمیک را مورد توجه قرار نداده و در برزخ برنامه‌ریزی نوگرا و فرانوگرا گرفتار شده است.

### کلیدواژه‌ها:

سیاست توسعه روستایی،  
برنامه ششم توسعه،  
فرانوگرایی، سکونتگاه‌های  
روستایی ایران

### مقدمه

زمینه را برای تعدیل چالش‌های نظام سکونتگاه‌های کشور به‌ویژه روستاها فراهم نماید. ارزیابی پیامدهای اسناد تهیه و اجرا شده نشان داده است که این اسناد از کارآمدی مناسب برای حل چالش‌ها برخوردار نبوده‌اند. آسیب‌شناسی‌های انجام گرفته توسط کنشگران برنامه‌ریزی در زمینه عوامل ناکارآمدی برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد، دستگاه نظری حاکم بر اسناد توسعه به‌ویژه برنامه‌های پنج‌ساله از جمله این عوامل است.

جوامع بشری در مقیاس‌های گوناگون همواره در حال تحولات گوناگون و همه‌جانبه هستند. پویایی ذاتی جوامع انسانی سبب شده تا آن‌ها همواره در معرض تغییر و تحول قرار داشته باشند. نکته اساسی در این میان آن است که «برای همپایی با این پویا لازم است در سطوح و عرصه‌های مختلف از جمله در عرصه اندیشه‌ورزی در باب برنامه‌ریزی توسعه، به نحوی مداوم و پویا به بازاندیشی فکری - ذهنی و ارزیابی اقدامات انجام گرفته، پرداخت

بررسی اجمالی تحولات جامعه روستایی کشور طی ادوار گذشته همراه با تغییرات ناشی از اجرای برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد که سکونتگاه‌های روستایی در ابعاد مختلف و سطوح فضایی ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی با دشواری‌های اساسی روبه‌رو هستند. تشدید نابرابری‌های منطقه‌ای، تخلیه گسترده آبادی‌ها از نیروی کارآمد و سرمایه مادی، کاهش روزافزون محصولات کشاورزی، انباشت جمعیت در نواحی شهری، گسترش حاشیه‌نشینی، بیکاری و آسیب‌های اجتماعی مسائل کلیدی و بعضاً عدم قطعیت‌هایی هستند که ضمن اثرگذاری بر ساختارهای کلان کشور، اثری شگرف بر جامعه روستایی داشتند (Malkifar, 2006). در مواجهه با این شرایط، نظام برنامه‌ریزی کشور تلاش نموده است تا در تهیه اسناد توسعه‌ای (در قالب سند چشم‌انداز و برنامه‌های پنج‌ساله) در روند زمانی به نحوی عمل نمود که

\* نویسنده مسئول:

دکتر فرهاد عزیزپور

نشانی: تهران، دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم جغرافیایی، گروه جغرافیای انسانی.

تلفن: ۵۱۲۳۵۳۸۵ (۹۱۲) ۹۸+

پست الکترونیکی: azizpour@khu.ac.ir

این اصول در قالب چارچوب مفهومی تا چه حدی سیاست‌های توسعه روستایی در برنامه ششم را تحت تأثیر قرار داده است؟

### مروری بر ادبیات موضوع

فرانوگرایی جنبش اجتماعی و فرهنگی پیچیده‌ای است که مبتنی بر نقد باورداشت‌های معمول و مرتبط با عصر روشنگری است. اندیشمندان پیشین مانند نیچه<sup>۱</sup>، اسوالد اسپنجر<sup>۲</sup> و رومانو<sup>۳</sup> در آثار خود شبهاتی را درباره روایت‌های بزرگ مدرنیته از آزادی و جوامع عقلی پیش‌بینی کرده بودند. این پارادایم، موضع انتقادی را علیه چنین روایت‌هایی کلی‌گرا مطرح کرد. این نقد ریشه در محدودیت‌های ایجادشده توسط ساختار اجتماعی دانش، موضع نسبی‌گرایی به جای قطعیت پوزیتیستی و ضرورت چندگانگی به‌عنوان مبنایی برای درک اجتماعی شباهت همه‌چیز- دارد. به عقیده فرانوگراها، تنها روایت‌های چندگانه وجود دارد. چندگانگی بازی‌های زبانی به‌طور محلی تعیین می‌شوند و هیچ‌کدام از آن‌ها نمی‌توانند با زبان‌های دیگر تطبیق داده شوند. بلکه، همه آن‌ها باید خود حضور داشته باشند (Beauregard, 1991; Nietzsche, 1967). روایت‌های کلان مدرنیته و ناتوانی آن‌ها در شناسایی بسیاری از صداها و اجتماعاتی که جامعه را تشکیل می‌دهند، توسط بسیاری از فرانوگراها مورد انتقاد قرار می‌گیرد (Beauregard, 1991). در این رویکرد، شک‌گرایی به نقش محوری محول شده به خرد و اندیشه عقلانی انسان مدرن است. جنبشی که متکی به نقد داعیه‌های حقیقت‌شناسانه غیرقابل‌شک، ایمان فرا اعتقادی به علم و شیوه‌های متافیزیکی استدلال و عقلانیت، فقدان ارتباط بین رویکردها و حقیقت‌ها و مبتنی بر کثرت‌گرایی اختلافی و نسبی‌گرایی فرهنگی، فکری است (Malpas, 2005; Mohamadpor, 2008). فرانوگرایی ادعاهای حقیقت و انباشت دانش را قبول ندارد. آن‌ها اعتقاد دارند که شکلی از دانش وجود ندارد که لزوماً بالاتر و یا مسلط بر دیگر انواع دانش‌ها باشد. بنابراین، هیچ نظریه کلاسی هم وجود ندارد. به این دلیل هیچ صدایی نباید از ابراز خود و گفتگو با صداهای دیگر محروم شود (Dear, 1988). تصویر شماره ۱ اصول بنیادین فرانوگرایی را نشان می‌دهد.

تا به تصمیم‌گیری‌های مطلوب برای نظام‌های فضایی (به‌ویژه روستاها) دست یافت» (Saeidi, 2003). نظام برنامه‌ریزی کشور از دهه ۳۰ همواره در تدوین اسناد توسعه‌ای کشور متأثر از تحولات فکری در جهان، نگرش‌های مختلف را مورد توجه قرار داده است. این تحول، در بعد از انقلاب از شدت بیشتری برخوردار بود. تعدیل ساختاری، توسعه پایدار، نهادگرایی و اقتصاد مقاومتی اندیشه‌هایی هستند که در تدوین برنامه‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه اثرگذار بودند.

این رویکردها اگرچه از چارچوب مفهومی خاص خود برخوردار هستند. ولی، در تدوین اسناد توسعه‌ای نتوانستند بر محتوا و فرایند (رویه) آن‌ها، تأثیر مناسبی داشته باشند. این ناکارآمدی متأثر از چند عامل بوده است:

- عمل‌گرایی حاکم بر تدوین اسناد توسعه‌ای؛
- ضعف انطباق انگاره‌های نظری با شرایط نظام سکونتگاهی کشور؛
- استیلای اصول اندیشه‌های سنتی متأثر از تفکر لیبرالیستی و نقاط آن به اصول انگاره‌های جدید؛
- ضعف کاربرد عملی انگاره‌های نظری در اسناد توسعه‌ای به‌ویژه انگاره‌های جدید.

برنامه ششم توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. این برنامه که از سال ۱۳۹۶ به اجرا درآمده است، داعیه اثرپذیری از انگاره‌هایی نظری چون نهادگرایی و اقتصاد مقاومتی دارد. سیاست‌های این برنامه به‌ویژه توسعه روستایی (که هم با نگاهی بخشی و هم فرابخشی تدوین شده‌اند) اگرچه می‌توانست مبتنی بر اصول و اهداف بنیادین برنامه - که متأثر از انگاره نظری‌اش است - مورد تحلیل قرار گیرند. ولی، تحول اندیشه‌ای در برنامه‌ریزی متأثر از پارادایم فرانوگرایی سبب شد تا سیاست‌های توسعه روستایی برنامه ششم در چارچوب برنامه‌ریزی فرانوگرایی مورد تحلیل قرار گیرد. به عقیده صاحب‌نظران برنامه‌ریزی، پارادایم فرانوگرایی، محتوا و فرایند برنامه‌ریزی را شدیداً دچار تحول کرده است. در این تحول، کنشگران برنامه‌ریزی، متأثر از نگرش خود بر مقوله‌های خاصی تأکید دارند. این تفاوت در چهارچوب‌ها، گروه تحقیق را بر آن داشته است برای تحلیل سیاست‌های توسعه روستایی؛ ابتدا متأثر از اصول کلی پارادایم فرانوگرایی چارچوب مفهومی ارزیابی مبتنی بر فرانوگرایی را تدوین نماید. تا از این طریق زمینه لازم برای تحلیل محتوای جهت‌دار برنامه ششم فراهم شود.

در این راستا، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

چارچوب مفهومی ارزیابی برنامه ششم متأثر از رویکرد فرانوگرایی از چه اصولی تبعیت می‌نماید؟ و

1. Nietzsche  
2. Oswald Spengler  
3. Romano



فصلنامه پژوهش‌های روستایی

تصویر ۱. اصول بنیادین پارادایم فرانواگرایی. منبع: Debrix, 1992; Dear, 1988; Cousins, 1984; Malpas, 2005; Nozari, 2000; Ghaemenia, 2009; Najarian et al., 2002; Mohamadpor, 2009

به‌نحوی که می‌تواند به‌عنوان چهارچوبی در توسعه چشم‌اندازهای پویا مشارکت کند.

### روشن‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع پژوهش کاربردی و از نظر روش جزء پژوهش توصیفی است. بنیادی - کاربردی بودن پژوهش بدین معنا است که در مرحله نخست، ادبیات مطرح در زمینه برنامه‌ریزی فرانواگرایی مورد بررسی قرار گرفت تا چارچوب یکپارچه‌ای از برنامه‌ریزی ارائه نماید. در مرحله دوم با ماهیت کاربردی مبتنی بر چارچوب مرحله نخست نارسایی سیاست‌های توسعه روستایی در برنامه ششم، شناسایی شد تا مورد استفاده نظام برنامه‌ریزی کشور قرار گیرد. توصیفی بودن پژوهش از این نظر است که چارچوب نظری برنامه‌ریزی فرانواگرایی مبنایی برای بررسی سیاست‌های توسعه روستایی قرار گرفته است.

در چارچوب کلی روش‌شناختی حاکم بر پژوهش در مرحله اول، به‌منظور ارائه چارچوب برنامه‌ریزی فرانواگرایی از روش کیفی فراترکیب استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش در این مرحله شامل کلیه پژوهش‌های منتشرشده در پایگاه‌های معتبر علمی خارجی و داخلی و منابع کتابخانه‌ای مرتبط با فرانواگرایی و برنامه‌ریزی در مقطع زمانی (۱۳۷۵ - ۱۳۹۷) و (۱۹۸۶ - ۲۰۱۸) است. از این رو، در ابتدا به جستجوی منابع در دو بخش کتابخانه‌ای و اینترنتی خارجی<sup>۷</sup> و داخلی<sup>۸</sup> با هدف شناسایی مقالات و کتب مربوطه پرداخته شد. سپس با ارزیابی از بین ۷۰۳ منبع جستجو شده، ۳۸ منبع که بیشترین تناسب را با موضوع پژوهش دارا بودند، انتخاب شدند (تصویر شماره ۲). نهایتاً، متون موردنظر مطالعه و با فن کدگذاری واحدهای معنایی و مقوله‌ها در قالب اصول فرانواگرایی تدوین شدند.

در زمینه ارزشیابی برنامه‌های توسعه، پژوهشی که این برنامه‌ها را بر مبنای بنیان‌های فکری، نظری و معرفتی رویکردهای توسعه مورد ارزشیابی قرار داده باشد، یافت نشد. لیکن نتایج ارزیابی‌های برنامه‌های توسعه روستایی رضوانی (۲۰۰۰)، نشان‌دهنده ضعف عمده در محتوا و عملکرد برنامه‌ها بوده است. افتخاری و همکاران (۲۰۱۳) نشان می‌دهند که مدیریت اجرایی از ظرفیت لازم برای اجرای پایداری در برنامه‌ها برخوردار نیستند. از کیا و دیباچی (۲۰۱۶)، در پژوهش خود بیان می‌کنند که برنامه‌های توسعه روستایی ضمانت اجرایی لازم را ندارند و با وجود تغییر محتوای برنامه‌ها در بعد از انقلاب، از اجرای برنامه مصوب عدول می‌شود.

ورمزیاری، کلانتری، لویای آدریانی و صمدی (۲۰۱۸)، در پژوهش خود نشان می‌دهند که فقدان پارادایم و نظریه توسعه روستایی باعث عدم یکپارچگی نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی روستایی شده است.

در مطالعات خارجی مربوط به موضوع، به لحاظ مشابهت موضوعی و محوری می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد. مایکل دیر<sup>۴</sup> (۱۹۸۶)، معتقد است که گفتمان نظریه برنامه‌ریزی پست‌مدرنیسم ارزیابی ابعاد عملکرد - زمینه، کالایی شدن - غیر کالایی شدن جامعه، نفوذ و مشارکت را پیشنهاد می‌کند. هدگاک و همکاران<sup>۵</sup> (۱۹۹۱)، نیز بیان می‌نمایند که برنامه‌ریزی با اتخاذ رویکرد پست‌مدرنیستی از طریق تعهد به اصلاحات، حساسیت نسبت به نیازهای مردم و ویژگی‌های منحصر به فرد مکان‌هایی که منبع هویت و توانمندسازی هستند، از اختلافات بین گروه‌های محلی اجتناب می‌کند. یانگ<sup>۶</sup> (۲۰۱۶)، عقلانیت اکولوژیک را ارتباط با مدرنیته و پست‌مدرنیته بررسی می‌کند، سپس بیان می‌کند می‌توان از ظرفیت عقلانیت اکولوژیک در راستای پست‌مدرنیسم برای ارتباط و ترکیب مفاهیم گذشته و آینده، محلی و جهانی و طبیعت و جامعه در برنامه‌ریزی بهره برد.

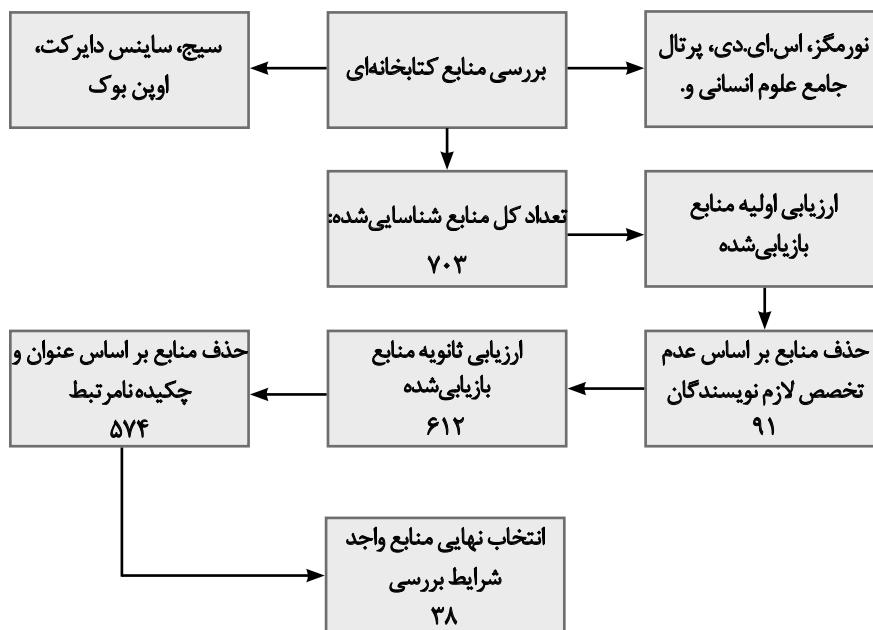
7. Science direct, Sage (Journal of planning literature, journal of progress in human geography and etc.)

۸. نورمگز، اس.ای.دی، پرتال جامع علوم انسانی، جویشگر فارسی علم نت.

4. M J Dear

5. Hedgcock

6. Young



تصویر ۲. فرایند جستجو و غربال منابع داده در فراترکیب. منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

فصلنامه پژوهش‌های روستایی

بزرگ‌مقیاس، مشارکت عمومی گسترده در فرایند برنامه‌ریزی و تمرکز بر استراتژی‌های محلی با هدف تغییرات تدریجی و حتی اساسی را به ارمغان آورد (Young, 2016).

در این ارتباط، ادوارد سوجا<sup>۹</sup> سه اصل کلی در برنامه‌ریزی پست‌مدرن را مدنظر قرار داد:

- قبول دیدگاه معرفتی باز و انعطاف‌پذیر، به جای جست‌وجوی راهی واحد و کامل؛

- تأکید بر شناخت واقعیت‌های اجتماعی، از جمله تکثر و جدایی؛

- بازنگری در سیاست‌های محیطی و کاربری اراضی شهری (Asadi, 2003).

فرانواگرایی در برنامه‌ریزی به منطقه‌گرایی انتقادی، اصالت بخشی، نسبییت، تکثر، تعدد، برنامه‌ریزی موضعی و موردی، جهت‌گیری در مقیاس‌های کوچک و محلی، عدم تمرکز، محلی‌گرایی، برنامه‌ریزی وکالتی و مشارکت مردمی روی آورد (Shafiei, 2000; Macleod, 2006; Pajohan et al., 2013).

برخی از نظریه‌پردازان فرانواگرا، اعتبار روایت‌های کلان را زیر سؤال می‌برند. در حالی که، خواستار روایت‌های معاصر از افرادی هستند که در فعالیت‌های روزمره مشغول به کار هستند. برنامه‌ریزی فرانواگرا بر اساس تجربه، شهود و روایت‌ها، کمتر بیان می‌کند که برنامه‌ریزی چگونه باید انجام شود و اغلب شیوه‌های

در مرحله دوم؛ سیاست‌های توسعه روستایی برنامه ششم توسعه با استفاده از تحلیل محتوای جهت‌دار مبتنی بر شواهد، واحدهای معنایی و مقوله‌ها (اصول) برنامه‌ریزی فرانواگرایی مورد بررسی قرار گرفت. جامعه هدف در این بخش مواد قانونی مربوط به توسعه روستایی برنامه ششم توسعه در حوزه بخشی (ماده ۲۶ و ۲۷) و در حوزه فرابخشی برنامه راهبردی توسعه روستایی شامل اهداف کلی و راهبردها، اهداف کمی، سیاست‌ها و اقدامات اساسی بودند. روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و فن و ابزار جمع‌آوری به ترتیب فیش‌برداری و فیش در چارچوب چک‌لیست شواهد برنامه‌ریزی فرانواگرایی بود. برای توصیف و تحلیل نیز از استدلال منطقی استفاده شد. در این مرحله، برای اعتباریابی یافته، نتایج پژوهش با تحقیقات انجام گرفته داخلی انطباق یافت.

## یافته‌ها

### چارچوب مفهومی برنامه‌ریزی فرانواگرا

برنامه‌ریزی به‌عنوان یکی از عرصه‌های علمی به شدت توسط چارچوب‌های نوگرایی و فرانواگرایی تحت تأثیر قرار گرفته است. در عصر نوگرایی، اکثر برنامه‌ریزان شهری بر مداخلات بزرگ‌مقیاس اتفاق نظر داشتند. اما به دنبال بحران‌های بعد از جنگ به‌ویژه آشفتگی‌های اجتماعی دهه ۱۹۶۰ و عواقب آن، خوش‌بینی نسبت به برنامه‌ریزی عقلانی و قدرت جامعیت برنامه‌ریزی عقلانی زیر سؤال رفت. انتقادهای نسبت به مدرنیته شروع شد و پس از آن برنامه‌ریزی نسبت به تفکر فرانواگرایی واکنش نشان داد. این مسئله، ویژگی‌های جدیدی را در حیطه برنامه‌ریزی شامل ارزیابی انتقادی نسبت به برنامه‌ریزی از بالا به پایین، مداخله

9. Edward Soja

برای موضوعات جغرافیای روستایی است. به عقیده وی معنا و درک روستا و روستایی هیچ‌گاه نمی‌تواند یک گزارش فراگیر و جهان‌شمول باشد (Philo, 1992).

در چهارچوب بررسی انجام‌شده مبتنی بر منابع منتخب (۳۸ منبع گزینش‌شده) مبتنی بر فن کدگذاری، ۷۹ شاهد، ۱۴ واحد معنایی و ۵ مقوله اصلی که چارچوب مفهومی فرانوگرایی را می‌سازد، ارائه شد (جدول شماره ۱).

کثرت‌گرایی، حکمروایی، زمینه‌گرایی، بوم‌گرایی و محلی‌گرایی مهم‌ترین اصول برآمده از بررسی انجام شده است (تصویر شماره ۳).

تفسیر سیاست‌های توسعه روستایی برنامه ششم مبتنی بر اصول برنامه‌ریزی فرانوگرایی

بر اساس اصول برآمده از فراترکیب سیاست‌های توسعه روستایی در برنامه ششم موردبررسی قرار گرفت. در اینجا به تفسیر هر یک از اصول پرداخته می‌شود.

منحصری که چگونه افراد مختلف عمل می‌کنند را مدنظر قرار می‌دهد (Innes, 1998). این برنامه‌ریزی، مایل به کشف سنت‌های فلسفی مهمی که با نهادها و شیوه‌های جدید برنامه‌ریزی سازگار باشند، هستند. در تفکر فرانوگرا، بررسی بسترها، وقایع و ادراکات در طول زمان سبب می‌شود تا به برنامه‌ریزان کمک شود که گذشته را تکرار نکنند، بلکه از آن درس بگیرند و بر آن تکیه کنند (Innes, 1995). نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی شهری فرانوگرا، نوگرایی را به دلیل ناکامی‌های، جبرگرایی فضایی و تحمیل ارزش‌ها و ایدئال‌های نخبگان به توده‌ها، رد کردند. موضع نظری فرانوگراها تسلط خبرگان، ایدئال‌ها، ارزش‌ها و شایسته‌سالاری آن‌ها در هدایت انتخاب‌های مردمی را نمی‌پذیرد و بر فرایندهای توسعه بیش از نتایج تأکید می‌کند (Mcgreevy, 2017). در برنامه‌ریزی توسعه روستایی نقدهای فزاینده به الگوی توسعه خطی متأثر از نوگرایی باعث تجدیدنظر در اصول توسعه روستایی شد. به‌عنوان مثال کریس فیلو<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۲) به دنبال رویکرد فرانوگرایی

10. Chris Philo

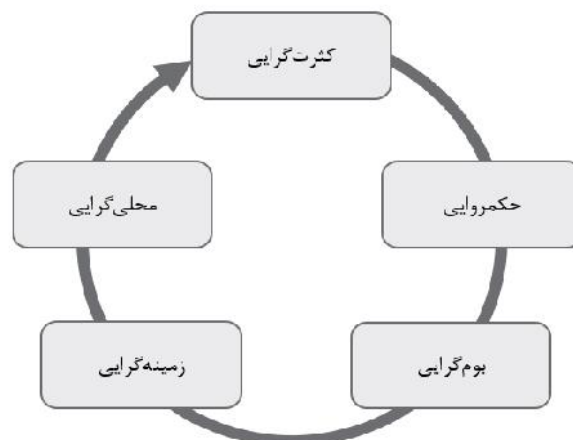
جدول ۱. مقوله‌ها و واحدهای معنایی مبتنی بر فراترکیب متون منتخب.

مقوله‌ها	واحدهای معنایی
کثرت‌گرایی <sup>۱</sup>	توانمندسازی، فراگیری، هویت بخشی به زنان
حکمروایی <sup>۲</sup>	اجماع محوری، مشارکت محوری، شفافیت و پاسخگویی
بوم‌گرایی <sup>۳</sup>	عدالت زیست‌محیطی در برنامه‌ریزی، رعایت مقیاس انسانی
زمینه‌گرایی <sup>۴</sup>	هویت تاریخی در برنامه‌ریزی، انعطاف‌پذیری در برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی ترکیبی، عدم الگوهای مشترک در برنامه‌ریزی
محلی‌گرایی <sup>۵</sup>	بومی‌سازی، محلی‌گرایی.

فصلنامه پژوهش‌های روستایی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

1. Pluralism
2. Governance
3. Ecologism
4. Contextual
5. Localism



تصویر ۳. چهارچوب مفهومی برنامه‌ریزی فرانوگرا مبتنی بر روش فراترکیب. منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

فصلنامه پژوهش‌های روستایی

## کثرت‌گرایی

در برنامه‌ریزی کثرت‌گرا گروه‌های مختلف اجتماعی اجازه دارند تا برنامه‌ها و طرح‌های متناسب با نیازهای خود را برای توسعه فضای زندگی‌شان ارائه دهند و از میان آن‌ها بهترین برنامه را انتخاب نمایند. از این رو، اولویت‌ها و ارزش‌های مردم با پایگاه اجتماعی متفاوت (به‌ویژه زنان و اقشار آسیب‌پذیر) در سند تهیه‌شده مورد توجه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر اقشار مختلف در قالب نهادهای غیردولتی در فرایند تهیه برنامه نقش کلیدی ایفاء می‌کنند. در سیاست‌های روستایی برنامه ششم توسعه، مبتنی بر مصادیق اصول فراگیری و توانمندسازی (مانند تکمیل طرح نیازسنجی آموزشی و مهارتی، - گسترش فرهنگ روستا و ارج نهادن به روستاییان و روستایی و ...، اهداف و سیاست‌های برنامه‌ریزی؛ اولویت‌ها، نیازها و ارزش‌های روستاییان را مورد توجه قرار داده است. اما، نکته کلیدی این است که، این دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی هستند که تشخیص می‌دهند چه سیاستی برای توسعه روستا مناسب است. در این راستا، آن‌ها به نحو شعارگونه‌ای مشارکت روستاییان را در فرایند تدوین برنامه مدعی می‌شوند. ولی، واقعیت این است که گفتمان محلی (از طرف ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان روستایی حتی شوراهای اسلامی و

دهیاران) مورد توجه چندانی نیست (جدول شماره ۲).

## حکمروایی

پاسخگویی و شفافیت، مشارکت محوری، اجماع محوری اصول کلیدی هستند که در برنامه‌ریزی فرانوگرا مورد توجه و تأکید است. در سیاست‌های روستایی برنامه ششم توسعه، مبتنی بر مصادیق اصول بیان‌شده مانند توسعه مشارکت مردمی در روستاها، توسعه تشکل‌های مردمی در مناطق روستایی، توانمندسازی اجتماع محور در جامعه روستایی، طرح توانمندسازی اجتماع محور زنان و ...، وجوهی از حکمروایی در مفهوم مورد توجه قرار گرفته است. این ویژگی برنامه‌ای، زمانی که با واقعیت‌های ساختاری نظام برنامه‌ریزی مورد بررسی قرار می‌گیرد، مشخص می‌شود که تفکر دیوان‌سالاری دولتی با روح تمرکزی خود سبب شده تا تقسیم قدرت در عمل از تعادل برخوردار نبوده، نهادهای مردم محور روستایی یا در حاشیه قرار گیرند و یا با مداخلات دولتی بر مسیر قدرتمند شدن سازمان‌های دولتی ایفای نقش نمایند. در این شرایط، اجماع محوری و مشارکت ماهیتی ابزاری پیدا می‌کند و پوششی می‌شود تا نشان دهد که نظام برنامه‌ریزی پاسخگو است و از شفافیت برخوردار است (جدول شماره ۳).

جدول ۲. مصادیق کثرت‌گرایی در سیاست‌های توسعه روستایی برنامه توسعه ششم.

واحد‌های معنایی	شواهد (رمز) نظری	مصادیق‌های متناظر در برنامه ششم
فراگیری	مخالفت با فرهنگ غالب؛ حمایت از اقلیت‌ها؛ دفاع اخلاقی از فرهنگ غیر غربی؛ توجه به گروه‌های قومی، نژادی، افراد بیکار و حاشیه‌ای؛ ترویج کثرت‌گرایی فرهنگی؛ تنوع و تضاد اجتماعی اقتصادی؛ مخالفت با ایدئولوژی غالب.	تکمیل طرح نیازسنجی آموزشی و مهارتی مناطق روستایی؛ گسترش فرهنگ روستا و ارج نهادن به روستاییان و روستایی و تبدیل نمودن زندگی در روستا به عنوان یک ارزش؛ برندسازی زندگی روستایی از طریق رسانه‌های جمعی؛ متناسب‌سازی محتوای آموزش عمومی در مدارس روستایی با نیازهای جامعه روستایی.
توانمندسازی	مقابله با پدیده به حاشیه رانده شدن؛ توانمندسازی افراد به‌ویژه گروه‌های محروم از طریق دسترسی به قدرت سیاسی و خود بیانگری.	بخشودگی سود و جرائم تسهیلات پرداخت‌شده به افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی جهت بازسازی اماکن مسکن آسیب‌دیده از حوادث طبیعی و غیرمترقبه؛ تأمین منابع مالی و تسهیلات ارزان قیمت و زمین مورد نیاز در قالب بودجه سنواتی در طول اجرای قانون برنامه به منظور کاهش آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی؛ پرداخت تسهیلات ارزان قیمت با کارمزد پنج درصد (۵٪) و تأمین مابه‌التفاوت سود تسهیلات برای دوران مشارکت مدنی و فروش اقساطی به منظور بهسازی و نوسازی سالانه حداقل دویست هزار واحد مسکونی روستایی؛ تعیین شاخص‌های بافت‌های فرسوده و نابسامان روستایی و تهیه و اجرای طرح‌های بهسازی بافت‌های فرسوده در روستاهای دارای اولویت؛ سنددار کردن املاک و مستغلات و اراضی روستایی؛ ساماندهی و ایجاد صندوق‌های تأمین مالی خرد روستایی و تسهیل سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی با رویکرد مشارکتی و تسهیلتاری؛ تسهیل دسترسی برابر روستاییان به فرصت‌های حقوقی.
هویت بخشی به زنان	توجه به هویت زنان؛ خواهان از بین بردن تفاوت‌های ساختگی، غیر واقعی و تاریخی بین زنان و مردان.	-

جدول ۳. مصداق‌های حکمروایی در سیاست‌های توسعه روستایی برنامه توسعه ششم.

واحد‌های معنایی	شواهد (رمز) نظری	مصداق‌های متناظر در برنامه ششم
پاسخگویی و شفافیت	گرایش به سمت برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت؛ برنامه‌ریزی تدریجی؛ برنامه‌ریزی دموکراتیک؛ برنامه‌ریزی پاسخگو.	تنظیم و ارائه هدفمند و شفاف اعتبارات مربوط به عمران و توسعه روستایی و عشایری در بودجه سنواتی تحت پیوستی با عنوان عمران و توسعه روستایی؛ کاهش مدت‌زمان پاسخ به استعلام‌ها و صدور پروانه ساخت بنگاه‌های اقتصادی روستایی و عشایری از هر کدام از دستگاه‌های ذی‌ربط به حداکثر پانزده روز؛ تفکیک سهم روستا در منابع در لوایح بودجه‌های سنواتی .
مشارکت محوری	تعامل و همکاری با ساکنان (مشارکت در تهیه و اجرای طرح‌ها)؛ ارائه طرح‌های راهبردی و مشارکتی برنامه‌ریزی به‌جای طرح‌های جامع؛ -توجه به گفت‌وگوهای مختلف مردم و ائتلاف‌ها در برنامه‌ریزی‌ها؛ تمرکززدایی و توزیع فضایی قدرت در سطوح پایین مانند حکومت‌های محلی و مشارکت مردمی؛ تأکید بر اصل مشارکت؛ برنامه‌ریزی مشارکتی.	توسعه مشارکت مردمی در روستاها؛ طرح تسهیل مشارکت تحصیل کرده‌های دانشگاه در فعالیت‌های اقتصادی روستا؛ تهیه و اجرای طرح توسعه گردشگری و بوم گردی در مناطق روستایی کشور با رویکرد مشارکتی و تسهیلگری؛ توسعه تشکلهای مردمی در مناطق روستایی؛ ظرفیت‌سازی برای مدیریت مشارکتی؛ تقویت نظام صنفی روستایی؛ تهیه لایحه تشکیل شورای عالی توسعه روستایی و عشایری؛ تهیه لایحه اصلاح قانون شوراهای اسلامی روستایی (پایه و فراداست) برای پوشش آبادی‌های زیر ۲۰ خانوار؛ لایحه احیای شورای دهستان به‌عنوان کانون برنامه‌ریزی ناحیه محور مناطق روستایی؛ تصویب برنامه‌های اشتغال‌زایی در روستاها توسط شورای توسعه و برنامه‌ریزی استان.
اجماع محوری	تأکید بر شناخت واقعیت‌های اجتماعی، از جمله کثرت و جدایی؛ عدالت اجتماعی؛ -تقویت هویت اجتماعی و محله‌ای؛ حرکت از منافع عمومی به فرهنگ مدنی؛ اجتماع محلی؛ برنامه‌ریزی مبتنی بر اجتماع؛ متکی بودن اجتماع محلی بر تعامل بین مردم و عمل جمعی.	تقویت پایدار سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی؛ توانمندسازی اجتماع‌محور در جامعه روستایی؛ ارتقای شاخص توسعه انسانی و اجتماعی مناطق روستایی و عشایری؛ تدوین سند ارتقای سرمایه اجتماعی در راستای کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی؛ توسعه توانمندی‌های اجتماع‌محور در مناطق روستایی؛ طرح توانمندسازی اجتماع‌محور زنان .

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

فصلنامه پژوهش‌های روستایی

## بوم‌گرایی

رعایت اصول زیست‌محیطی در برنامه‌ها و توجه به مقیاس انسانی در برنامه‌ریزی اصولی هستند که نشان از بوم‌گرایی در فرانوگرایی دارند. در این چهارچوب، بررسی سیاست‌های توسعه روستایی در برنامه ششم نشان می‌دهد این برنامه مبتنی بر اصل رعایت اصول زیست‌محیطی سیاست‌هایی نظیر امکان‌سنجی، طراحی و ایجاد سامانه‌های دفع بهداشتی زباله‌های روستایی محدود‌های روستاها و جمع‌آوری و دفع آن‌ها در خارج از محدوده روستاها و شهرها، طراحی و اجرای طرح‌های (پروژه‌های) دفع بهداشتی فاضلاب در روستاها با اولویت روستاهای واقع در حریم رودخانه‌ها، تالاب‌ها، سدها و ... در مفهوم موردتوجه قرار داده است. اما شکل‌گیری و گسترش روحیه منفعت‌گرایی در بین روستاییان و حتی مدیران دولتی از یک‌طرف و ضعف قوانین موجود از طرف دیگر سبب شده تا سیاست‌های حفاظت از محیط در عمل مورد کم‌توجهی قرار گیرند. اصل توجه به مقیاس انسانی، اصلی است که در چهارچوب برنامه، سیاستی خاص برای آن اتخاذ نشده است (جدول شماره ۴).

## زمینه‌گرایی

عدم همسان‌سازی، برنامه‌ریزی ترکیبی و مختلط، انعطاف‌پذیری و توجه به هویت تاریخی اصول رویه‌ای مهمی هستند که برنامه‌ریزی فرانوگرا بر آن‌ها توجه خاص دارد. در سیاست‌های توسعه روستایی برنامه ششم اگرچه شواهدی مشخص بر پاسداشت میراث فرهنگی در راستایی تقویت هویت تاریخی و فرهنگی فضاها روستایی در نظر گرفته شده است. ولی، روح حاکم بر غالب سیاست‌ها به‌ویژه سیاست‌های کالبدی بر تقویت همسان‌سازی، غیر منعطف بودن، تفکیک فضا، عینیت‌بخشی به بافت‌های غیرارگانیک (غالباً شطرنجی)، ایجاد فلکه، خیابان‌های نسبتاً عریض، تأکید دارد. گونه شناسی روستایی در گستره فضایی ایران اگرچه بر تنوع فضای روستایی در ابعاد مختلف دارد. ولی، امروزه به علت آلفای سیاست‌های نوگرا با فضای سرزمینی کشور با روستاهای شبیه به هم روبه‌رو شده است. در این بین، نگاه سیناپتیکی به طرح‌هایی چون طرح هادی که محصول تفکر نوگرایی است شرایط را بغرنج‌تر نموده است. البته، این را هم باید اذعان داشت که در برخی از فضاها سرزمینی اقداماتی صورت گرفته است که نشان‌هایی از اثربخش از اصول فرانوگرایی را در خود دارند (جدول شماره ۵).

جدول ۴. مصداق‌های بوم‌گرایی در سیاست‌های توسعه روستایی برنامه توسعه ششم.

واحد‌های معنایی	شواهد (رمز) نظری	مصداق‌های متناظر در برنامه ششم
رعایت اصول زیست‌محیطی در برنامه‌ها	توجه به عواقب اثرات زیست‌محیطی طرح‌های اجتماعی بر روی نسل‌های آینده؛ بازنگری در سیاست‌های محیطی.	شناسایی روستاهای در معرض خطر سوانح طبیعی جهت اجرای طرح‌های ایمن‌سازی این سکونتگاه‌ها با همکاری دستگاه‌های مسئول و مشارکت مردم و نهادهای محلی؛ امکان‌سنجی، طراحی و ایجاد سامانه‌های دفع بهداشتی زباله‌های روستایی محدوده‌های روستاها و جمع‌آوری و دفع آن‌ها در خارج از محدوده روستاها و شهرها؛ طراحی و اجرای طرح‌های (پروژه‌های) دفع بهداشتی فاضلاب در روستاها با اولویت روستاهای واقع در حریم رودخانه‌ها، تالاب‌ها، سدها؛ طراحی و اجرای طرح‌های (پروژه‌های) دفع بهداشتی فاضلاب در روستاها با اولویت روستاهای دارای مشکل به دلیل نفوذپذیری کم اراضی دفع فاضلاب.
توجه به مقیاس انسانی در برنامه‌ریزی	فضاهای کوچک‌تر، انسان‌محور با قابلیت پیاده و تراکم بالا؛ راهبردهای متفاوت سازی برای بازیابی هویت واقعی؛ فضاهای قابل دفاع‌تر، خصوصی و اغلب دارای حریم؛ تأکید بر خودگردانی و عاملیت انسانی در ابعاد زندگی.	-

فصلنامه پژوهش‌های روستایی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

جدول ۵. مصداق‌های زمینه‌گرایی در سیاست‌های توسعه روستایی برنامه توسعه ششم.

واحد‌های معنایی	شواهد (رمز) نظری	مصداق‌های متناظر در برنامه ششم
عدم همسان‌سازی و الگوهای مشترک در برنامه‌ریزی	مخالفت با استاندارد کردن؛ اعتقاد به کثرت‌گرایی به‌جای وحدت‌گرایی؛ اعتقاد به تئوری پیچیدگی در برنامه؛ برگزیدن تنوع به‌جای تک‌بعدی بودن؛ تأکید بر سبک‌ها و اهداف متنوع؛ راهبردهای جمعی و ارگانیک برای توسعه به‌عنوان ترکیبی از فضاها و شکل‌های متنوع.	-
تأکید بر برنامه‌ریزی ترکیبی و مختلط	عدم جدایی محل کار، سکونت و تفریح در مکان‌ها؛ عدم تأکید بر منطقه‌بندی و تفکیک اراضی در برنامه‌ریزی؛ عدم اعتقاد به نظم و منطقه‌بندی؛ پراکندگی، عدم مرزبندی در برنامه‌ریزی؛ جریان داشتن زندگی فردی در درون شبکه‌های از کار، آموزش، خرید، استراحت در همه جهات؛ کاربری‌های ترکیبی و فضاهای چند کارکردی به‌جای منطقه‌بندی تک کارکردی؛ فضاها و ارتباطات افقی و چندگانه و همه‌جانبه به‌جای ارتباطات خطی و عمودی.	ایجاد ساخت مسکن معیشت محور در روستاها
انعطاف‌پذیری در برنامه‌ها	تحول و پویایی سیستم‌ها در مکان؛ اعتقاد به خودسازمان یافته بودن سیستم‌ها و زیرسیستم‌ها؛ اعتقاد به سلسله مراتبی بودن سیستم‌ها در عین خودسازمان یافته بودن؛ درصد درک و دستیابی به بی‌ثباتی‌های نظام اجتماعی؛ قبول دیدگاه معرفتی باز و انعطاف‌پذیر؛ انعطاف در ساختار برنامه‌ریزی.	استقرار نظام سلسله‌مراتب خدمات در چهارچوب طرح‌های منظومه‌های روستایی؛ ارائه خدمات از طریق شبکه‌های مجازی با تأکید بر روستاهای پراکنده و زیر ۲۰ خانوار؛ بسترسازی جهت توسعه روش‌های آموزش مجازی در مناطق روستایی.
توجه به هویت تاریخی در برنامه‌ریزی	استفاده از تاریخ و نمادهای آن در برنامه‌ریزی؛ توجه به بازآفرینی و اصالت بخشی در طرح‌های توسعه؛ راحی بومی و برنامه‌ریزی موضعی؛ احیای حس مکان از طریق به‌کارگیری نشانه‌های هویتی و تاریخی.	توجه به نگهداشت هویت تاریخی و فرهنگی روستا؛ تهیه و اجرای طرح بهسازی بافت باارزش روستا؛ تعیین محدوده بافت تاریخی - فرهنگی روستایی؛ تهیه شناسنامه بافت تاریخی روستایی؛ بهسازی ساماندهی بافت باارزش روستایی (با بهره‌گیری از سنت، الگوی معماری و مصالح بومی)

فصلنامه پژوهش‌های روستایی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸



## محلی‌گرایی

بررسی مصداق‌های اصل محلی‌گرایی در سیاست‌های توسعه روستایی برنامه ششم توسعه نشان می‌دهد که سیاست‌هایی مانند تهیه برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی پنج هزار روستا در هر سال برنامه به‌وسیله سازمان استان با توجه به ظرفیت‌ها و استعداد‌های بومی و محیطی روستاها، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی مناطق با استفاده از پتانسیل‌های محیطی، توسعه کانون‌ها و تشکل‌های محلی، تعیین درآمدهای استانی و اعمال هزینه درآمد استانی در بودجه سنواتی کشور و ... در انطباق نسبی با شواهد برخواسته از محلی‌گرایی دارد. از برنامه پنجم توسعه و به‌ویژه در برنامه ششم جهت‌گیری دولت (البته متأثر از مجلس شورای اسلامی) به سمتی حرکت کرده است در مفهوم به اصل محلی‌گرایی پایبند باشد. سیاست‌های متأثر از این اصل در عمل با چالش‌هایی روبرو هستند. بدین معنا که، تسلط روح تمرکزگرایی به‌ویژه از جنبه عملکردی سبب شده است تا همواره نخبه‌گرایی دستگاهی به نحوی عمل نماید تا استقلال عملکردی از سطوح محلی سلب گردد و بعضاً الگوهایی کلان در ابعاد مختلف به سطح محلی دیکته گردد. این الگوها غالباً از درجه انطباق‌پذیری پایین با شرایط محلی و بومی سرزمین ایران دارد (جدول شماره ۶).

## بحث و نتیجه‌گیری

پویایی سیستمی فضاها از جمله روستاها سبب شده تا اندیشه‌های درگیر در سامان بخشی به این پویایی (برنامه‌ریزی)، همواره در حال شکوفایی باشند. برنامه‌ریزی فرانوگرا از جمله اندیشه‌هایی است که امروزه با چارچوب‌هایی هرچند متنوع اثراتی شگرف در پویاسازی نظام‌های فضایی داشته است. در این راستا، پژوهش حاضر با دو هدف تدوین و ارائه چارچوب برنامه‌ریزی فرانوگرا و بررسی میزان اثرپذیری سیاست‌های توسعه روستایی در سند برنامه ششم (به‌عنوان چارچوب اندیشه‌ای تحول‌زا نظام فضایی روستایی در ایران) انجام شد. مبتنی بر یافته‌های این پژوهش نتایج زیر حاصل شد:

- برنامه‌ریزی فرانوگرا در چارچوب مکتب فرانوگرایی دارای چارچوب‌های متفاوتی است. این چارچوب‌ها هر یک بر اصولی خاص تأکید دارند. ولی آنچه اهمیت دارد، تبعیت همه این چارچوب‌ها از سه اصل کلیدی عدم عقلانیت‌گرایی، نفی عقیده جهان‌شمول بودن و رویکرد نفی فراروایت‌ها است. در چارچوب پیشنهادی ارائه‌شده برای برنامه‌ریزی فرانوگرا پنج اصل (کثرت‌گرایی، حکمروایی، زمینه‌گرایی، بوم‌گرایی و محلی‌گرایی) استخراج شده است که می‌تواند به‌عنوان چارچوبی پایه در برنامه‌ریزی و ارزشیابی اسناد توسعه‌ای موردتوجه قرار گیرد؛

جدول ۶. مصداق‌های محلی‌گرایی در سیاست‌های توسعه روستایی برنامه ششم.

واحد‌های معنایی	شواهد (رمز) نظری	مصداق‌های متناظر در برنامه ششم
بومی‌سازی	توجه به طرح‌های کوچک و هماهنگ با محیط؛ عدم برنامه‌ریزی در مقیاس کلان؛ عدم برنامه‌ریزی بر پایه روش‌های ریاضی و آماری؛ گرایش و تکیه بر شرایط بومی و سنتی مکان‌ها.	تهیه برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی پنج هزار روستا در هر سال برنامه به‌وسیله سازمان استان با توجه به ظرفیت‌ها و استعداد‌های بومی و محیطی آن روستاها؛ تعیین ظرفیت‌ها و اولویت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی؛ تبیین طرح‌های نوین بازاریابی در مناطق روستایی؛ ایجاد صنایع کوچک و متوسط و زنجیره مکمل تولیدات کشاورزی در مناطق روستایی؛ شناسایی پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری و اشتغال روستایی با مشارکت جامعه محلی؛ تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی مناطق با استفاده از پتانسیل‌های محیطی.
محلی‌گرایی	حمایت از منطقه‌ای شدن و محلی‌گرایی؛ توجه به نهادهای محلی؛ برنامه‌ریزی از پایین به بالا؛ ظرفیت‌سازی در سطح محلی؛ تلاش آگاهانه برای افزایش مسئولیت افراد محلی.	تعیین درآمدهای استانی و اعمال هزینه درآمد استانی در بودجه سنواتی کشور؛ آموزش صد هزار نفر از روستاییان و عشایر به‌عنوان عناصر پیشرو و تسهیل‌گر در زمینه برنامه‌ریزی محلی؛ اجرای طرح مشارکت اقتصادی روستاییان بر اساس یافته‌های طرح شناسایی ظرفیت‌های مناطق روستایی؛ تکمیل سلسله‌مراتب نظام مدیریت محلی؛ توسعه کانون‌ها و تشکل‌های محلی؛ تهیه و اجرای طرح شناسایی ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی کشور با تأکید بر تکمیل زنجیره تولید و ارزش (بر اساس طرح‌های پایلوت انجام‌شده در استان قزوین).

• سیاست‌های توسعه روستایی از جنبه مفهومی در انطباق نسبی با اصول برنامه‌ریزی فرانوگرایی قرار دارد. این انطباق در سه اصلی کثرت‌گرایی، حکمروایی و محلی‌گرایی بیشتر است؛

• بررسی انطباقی انجام‌شده، نشان داد که در کنار سیاست‌های برآمده از برنامه‌ریزی فرانوگرا، سیاست‌ها و اقدامات توسعه روستایی که متأثر از برنامه‌ریزی نوگرا هستند نیز در برنامه ششم مشاهده می‌شود. این مسئله، نشان از نوعی التقاط‌گرایی اندیشه‌ای در تدوین برنامه ششم دارد؛

• سیاست‌های توسعه روستایی برنامه ششم اگرچه از جنبه مفهومی انطباقی نسبی با چارچوب برنامه‌ریزی فرانوگرا دارد. ولی، هنوز در عمل بر مدار تفکر برنامه‌ریزی نوگرا اعتقاد و باور دارد. به عبارت دیگر، نظام برنامه‌ریزی مبتنی بر عقلانیت ابزاری و نخبه‌گرایی کارشناس محور، نسخه‌ای از برنامه‌ریزی فرانوگرا را پایه‌ریزی کرده است که در عمل هویت خود را از دست داده است و بیشتر جنبه شعارگونه دارد؛

• نهایتاً اینکه نظام برنامه‌ریزی کشور (در تدوین سیاست‌های توسعه روستایی) در حوزه مفهومی، مرزبندی پارادایمی را مورد توجه قرار نداده، در برزخ برنامه‌ریزی نوگرا و فرانوگرا گرفتار شده است.

با بررسی تحقیقات نسبتاً مشابهی که برنامه‌های توسعه پنج‌ساله را مورد نقد و ارزیابی قرار داده‌اند این موضوع قابل استنباط است که آنچه در این پژوهش مانند انطباق نسبی سیاست‌های توسعه روستایی با اصول برنامه‌ریزی فرانوگرا، التقاط‌گرایی اندیشه‌ای در تدوین برنامه ششم و مشاهده سیاست‌های توسعه‌ای برآمده از پارادایم‌های نوگرایی و فرانوگرایی یافت شد، توسط دیگر پژوهشگران به صورت موردی، رضوانی (۲۰۰۰)، همه‌جانبه و جامع نبودن محتوای برنامه‌های توسعه، افتخاری و همکاران (۲۰۱۳)، سطح پایین توجه به توسعه پایدار روستایی در برنامه‌های توسعه، ازکیا و دیباچی (۲۰۱۶)، پاسخگو نبودن ارگان‌ها و نهادها در صورت عملی نشدن برنامه‌های توسعه روستایی، عدم بسترسازی لازم برای تحقق مشارکت سازمان‌یافته روستاییان، بررسی عملکرد و آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه توسط خود گروه طراح و اجراکننده برنامه، وجود قوانین جامع، کامل و آرمان‌خواهانه در برنامه‌ها با مفاهیم تازه و زیباپسند بدون وجود الزام قانونی برای اجرای آن‌ها، ذکر شده است که نتایج تحقیق انجام‌گرفته را تأیید می‌نماید.

#### تشکر و قدردانی

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله که مستخرج از رساله دکتری است، حامی مالی نداشته است.

## References

- Asadi, I. (2003). [The Complexity of Urban Planning Issues and Facing Them Approaches, (Persian)], *Urban Management*, 10, 28-15.
- Azkiya, M. Dibaji, Sh. (2016). [Criticism of Rural Development-Programs in Iran (Persian)]. *Journal of Studies and Social Research in Iran*, 5(1), 103- 125.
- Beauregard, R. (1991). Without a net: modernist planning and the postmodern abyss. *Education and Research*, 10(3), 189-194. doi: 10.1177/0739456x9101000305.
- Cousins, M. H. (1984). *Michel Foucault*, New York, ST. Martin's Press.
- Dear, M. (1986). Postmodernism and Planning, *Environment and Planning D, Society and Space*, 4, 367-384, [http:// doi: 10.1068/d040367](http://doi.org/10.1068/d040367).
- Dear, M. (1988). The Postmodernism challenge: human geography, *Transaction, Institute of British Geographers*, 13,262-74.
- Debrix, F. (1992). Specters of postmodernism: Derrida's Marx, the New International and the return of situationism, *Philosophy & Social Criticism*, 25 (1), 1-21. doi:10.1177/019145379902500101.
- Eftekhary, A., Sojasi Qidari, H. & Sadeghloo, T. (2013). [Content Analyses of Rural Sustainable Development Position in Plans after Islamic Revelation (Persian)]. *Journal of Human Geography Research Quarterly*, 45(3), 19-38
- Ghaemnia, A. (2009). [Religious experience, Modernity and postmodernism, (Persian)], *Haft Aseman*, (4).
- Hedgcock, D, Hillier, J, & Wood, D. (1991). Planning, Postmodernism and Community Power. *Urban Policy and Research*, 9(4), 220-226. doi:10.1080/08111149108551472.
- Innes, J. (1998). Challenge and creativity in postmodern planning. *Journal of Town Planning Review*, 69(2), v-ix. [http:// www.jstor.org/stable/40113489](http://www.jstor.org/stable/40113489).
- Innes, J. (1995). Planning theory's emerging paradigm: communicative action and interactive practice. *Planning Education and Research*, 14(3), 183-189, [http:// doi: 10.1177/0739456x9501400307](http://doi.org/10.1177/0739456x9501400307).
- Macclaud, D. (2006). Postmodern and Urban Planning, Retrieved from <http://www.Simpatico.Ca/Macleod>.
- Malekifar, A. (2006). *Foresight Alphabet*, Educational and Research Institute of Defensive Industry, Center of the Foresight Defensive Science and Technology, Tehran.
- Malpas, S. (2005). *The Postmodern*, First Edition, London: Routledge Press.
- Mcgreevy, M. (2017). Complexity as the Telos of Postmodern Planning and Design: Designing better cities from the bottom-up, *Planning Theory*, 17(3), 355-374, [http:// doi: 10.1177/1473095217711473](http://doi.org/10.1177/1473095217711473).
- Mohammadpour, A. (2008). Jean-François Lyotard, and the Emergence of Postmodern social sciences, *The theoretical origins and paradigmatic foundations*, *Social Sciences*, 5(1),39-82.
- Najarian, p., Pakseresht, M.J., & Safaei Moghaddam, M. (2002). [Postmodern themes and its educational implications, (Persian)], *Educational sciences and Psychology*, 3(1, 2), 89-106.
- Nietzsche, F. (1967). *The will to power*. New York: Random House.
- Nozari, H. (2000). *Postmodernity and postmodernism, Definition, theories and applications*, First Edition, Tehran, Naghsh Jahan Publications.
- Pajohan, M. Moghadam, N. Fathi, S. (2013). [Comparative study of land use systems from the Perspective of two paradigms of modernism and postmodernism, (Persian)], *Human Geography Research*, 45(2), 17-36.
- Philo, C. (1992). Neglected rural geographies: a review, *rural Studies*, 12(8), 193-207.
- Rezvani, M.R. (2002). [An Attitude to the Rural Development Planning System in Iran, (Persian)], *Geographical Research*, (4), 25- 38.
- Saidi, A. (2003). *Foundation of location and settlement of new villages*, Islamic Revolution Housing Foundation Publication.
- Shafiee, H. (2000). [Postmodernism in Urbanism, (Persian)], *Urban Management*, 1, 70-82.
- Varmazyari, H., Kalantari, Kh., Lavaei Adaryani, R., & Samadi, M. (2018). [A Grounded Theory Approach to Developing Model for Challenges of Policy-Making and planning of Rural Development, (Persian)], *Village and Development*, 21(2),97-123.
- Young, F. (2016). Modernity, postmodernity, and ecological wisdom: Toward a new framework for landscape and urban planning, *Landscape and Urban Planning*, 155, 91-99, doi. [org/10.1016/j.landurbplan.2016.04.012](http://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2016.04.012) .